

واکاوی معنای «هویت» در سنجش پارادایم «تحلیل جایگاه حیات بخشی در بافت شهر»

دکتر طاهره نصر*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۳/۰۶



چکیده

فرسودگی از مهم‌ترین مسائل مربوط به فضای شهری است که باعث بی‌سازمانی، عدم تعادل و عدم تناسب آن می‌شود و به زدودن خاطرات جمعی، افول حیات شهری واقعی و شکل گرفتن حیات شهری روزمره‌ای کمک می‌کند. از طرفی باید در نظر گرفته شود که «هویت»، صفت نیست؛ بلکه از اجزای اصلی «حیات بخشی» است و باید مدنظر قرار گیرد. در مقاله حاضر، ضمن مروری بر مفهوم هویت در شهرسازی، نگاهی به گونه‌های مختلف احیاء در بافت‌های شهری و چگونگی مقابله با بحران هویت شده است. روش تحقیق با توجه به کنکاش در مفهوم احیاء شهری، به صورت توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از پرسش‌نامه، به سنجش پارادایم «تحلیل جایگاه حیات بخشی در بافت شهری» پرداخته، در این راستا از مطالعات اسنادی و میدانی بهره گرفته شده است. نتایج حاصل حاکی از بهبود کالبدی شهر از طریق توجه به مؤلفه‌های کالبدی هویت شهر است.

واژه‌های کلیدی

احیاء شهر، هویت، حیات بخشی، نوسازی

مقدمه

توسط بافت و نیاز امروز» نمود می‌یابد. احیاء مستلزم سازگار کردن این نابرابری است. اهداف مقاله عبارتند از:

- بازتاب توجه به مقوله «هویت» در اندیشه‌های شهرسازی خارجی و ایرانی بررسی می‌شود.
- مؤلفه‌های مورد توجه در احیاء بافت‌های فرسوده شهری بیان می‌شود.
- بررسی راهکارهایی که می‌توانند برای ساماندهی بافت‌های کهن شهری به کار گرفته شوند.
- روش‌هایی که در این پژوهش به کار گرفته شده است با توجه به کنکاش در نظریه‌هایی از شهرسازان، به صورت توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و اسنادی می‌باشد. همچنین نظریه‌های اندیشمندان دوره‌های مختلف تاریخی در دو دسته خارجی و ایرانی در قالب جدول جمع‌آوری شده و این نظریات با مؤلفه‌های «حیات بخشی» تطبیق داده شده است. پس از وزن‌دهی به این مؤلفه‌ها و بررسی میانگینی که از تحلیل ۵ پرسش‌نامه مذکور حاصل گردید به جمع‌بندی پژوهش در قالب نمودارهایی پرداخته خواهد شد.

هویت هر دوره را ویژگی‌ها و امتیازات آن دوره نسبت به دوره پیش مشخص می‌سازد. وقتی سخن از هویت شهر می‌رود، تمایز شهرها از هم مطرح می‌شود. آنچه قابل تأمل است وجوه اشتراک و تمایز شهرها با هم است. آنچه به عنوان تصویر در ذهن مردم متصور است ناشی از سازمان فضایی شهر است. شناخت و درک ساختار و استخوان‌بندی شهرها، سازمان فضایی شهرها و تلاش برای حفظ و احیاء آنها موجب حفظ ارزش‌های نهفته در شهرها شده است.

شناخت هویت و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن در شکل شهر، مقدمه‌ای است برای شناخت مدیران، برنامه‌ریزان شهری، تصمیم‌گیران و هر آن کس که در ساخت شهر نقش دارد تا شهری ساخته شود که صفات هویتی آن مطلوب و پاسخگو باشد. بنابراین، مقاله حاضر نگاهی به مقوله احیاء در شهرسازی دارد. با این ضرورت که از نظر کاربردی و علمی به مقوله هویت شهرها پرداخته شود. فرسودگی ساختمان‌ها و محله‌ها در نابرابری میان «خدمات عرضه شده

جدول ۱. اشکال ظهور نمودهای خارجی و مشخصه‌های ناکارآمدی بافت‌های فرسوده (مأخذ: شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۹، ۳۵)

اشکال ظهور نمودهای خارجی و مشخصه‌های ناکارآمدی بافت‌های فرسوده

فرسودگی کالبدی

عمر زیاد ساختمان‌ها و یا ناپایداری و استفاده از مصالح نامناسب

تراکم بالای جمعیتی

ساختار نامناسب و ناکافی خدمات، تسهیلات شهری و شبکه معابر و عدم دسترسی مناسب به درون بافت

شرایط نامنی و غیربهداشتی

کمبود امکانات گذران اوقات فراغت به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان

وجود یا وقوع شرایطی که در آن زندگی و اموال ساکنان آن در معرض خطراتی مانند آتش‌سوزی و دیگر حوادث باشد

اراضی و یا ساختمان‌های ناکارآمد و با کاربری‌های ناسازگار

نبود گرایش به نوسازی و مشارکت ساکنان (نبود تعلق خاطر)

نبود یا کمبود برنامه‌هایی به روز توسعه بافت‌ها و یا سازمان‌های مدیریتی لازم برای اجرا

کمبود یا فقدان تأسیسات زیربنایی مناسب

مشکلات زیست محیطی و بالا بودن حجم آلودگی

فقر و محرومیت

سراجه کم خدمات شهری

نامنی و معضلات اجتماعی و فرهنگی و پراکندگی نامتوازن

ارزش پایین زمین

مشخصه‌های ناکارآمدی بافت‌های فرسوده نیز به اشکال زیر ظهور پیدا می‌کنند (جدول ۱).

نوسازی

نوسازی به معنای تجدید بنای ساختمان‌ها، عمل یا فرایند از میان بردن نشانه‌های خرابی، فرسودگی و ویرانی با مفهوم دوباره سازی و تجدید بنای نو مترادف است (توسلی، ۱۳۷۹). نوسازی زمانی انجام می‌شود که فضای شهری، مجموعه و یا بنا از کارکردی مناسب و معاصر برخوردار بوده ولی فرسودگی نسبی کالبدی فضایی سبب کاهش بازدهی و کارایی آن شده است. نوسازی مجموعه اقداماتی را شامل می‌شود که در عین حفاظت بنا، مجموعه و یا فضای شهری کهن، سازمان فضایی مربوط را معاصر سازی نموده و امکان بازدهی بهینه آن را فراهم آورد. تجدید حیات، به روز کردن، تبدیل و دگرگونی، حفاظت، نو شدن، احیاء و تعمیر اقدامات نوسازی می‌باشند (جدول ۲). بسیاری

فرضیه‌ای که مطرح بوده، عبارت است از: شناخت و درک ساختار شهرها و بافت‌های ارزشمند فرسوده آن و تلاش برای حفظ، احیاء و به روز کردن آن، موجب حفظ ارزش‌های نهفته در شهرهای معاصر می‌شود. در این راستا توجه به مقوله «هویت»، امری ضروری است.

مبانی نظری و تعاریف

فرسودگی

فرسودگی یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به فضای شهری است که باعث بی سازمانی، عدم تعادل، عدم تناسب و بی‌قوارگی آن می‌شود. فرسودگی عاملی است که به زدودن خاطرات جمعی، افول حیات شهری واقعی و شکل گرفتن حیات شهری روزمره‌ای کمک می‌کند. از مفهوم فرسودگی به این نتیجه رسید که بافت‌هایی که عناصر اصلی ساختار فضایی آنها دچار ناکارآمدی از جنبه‌های مختلف می‌شوند، در روند فرسودگی قرار می‌گیرند. در این صورت نمودهای خارجی و

جدول ۲. مهم‌ترین جنبه‌های ضرورت و اهداف نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده (مأخذ: شمعی و پوراحمد، ۱۳۸۹، ۳۵)

مهم‌ترین جنبه‌های ضرورت و اهداف نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده

- ۱- بهسازی و نوسازی شهر به دنبال تأمین کارایی مطلوب، عدالت، کیفیت محیطی، ایمنی و امنیت، بهداشت، آسایش و زیبایی فضاهای شهری است.
- ۲- بهسازی و نوسازی شهری در مراکز قدیمی شهری می‌تواند رابطه تاریخی- فرهنگی مردم را با گذشته خویش به نحوی ملموس تر برقرار سازد، گذشته‌ای که امروز در حال تحول و تکامل است و نه تکرار.
- ۳- بهسازی و نوسازی شهری می‌تواند برای مسأله اسکان غیر رسمی راه حلی مناسب باشد.
- ۴- حفظ هویت فرهنگی و ملی مسأله‌ای است که باید در نوسازی و بهسازی بافت‌های شهری به آن اندیشید.
- ۵- نوسازی و بهسازی شهر دارای ابعاد گوناگونی است. از جمله بهسازی و نوسازی کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی - اداری و به‌طور کلی فرهنگی است، به عبارتی دیگر حفظ حیات و هویت شهری در نوسازی و بهسازی باید همه جانبه باشد.
- ۶- نوسازی و بهسازی کالبد شهر برای سازماندهی سازمان فضایی- کالبدی شهرها، نحوه استفاده از زمین، ضوابط منطقه بندی، ضوابط ساختمان سازی، تأمین معیارهای ساخت و ساز و مرمت و آسایش زیستی برای سازه‌های شهری متناسب هر منطقه جغرافیایی است.
- ۷- بهسازی و نوسازی شهر با شهرسازی بی هویت و تعویضی متفاوت است. در شهرسازی تعویضی صرفاً فضاهای کالبدی بی هویت شکل می‌گیرند، اما در بهسازی و نوسازی شهری به هماهنگی و سازگاری با محیط طبیعی و سازمان اجتماعی- فرهنگی جامعه توجه می‌شود.
- ۸- بهسازی و نوسازی شهر، مانع گسستگی اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری، روانی و شغلی می‌شود.
- ۹- شهر همانند موجود زنده است و هرگونه مداخله باید هماهنگ با مفهوم و معنای زندگی آن محیط جغرافیایی باشد. داشتن مرکز به عنوان قلب همراه با شاخص‌های خاص خود و نیز مرکز محله‌های شهری که سازمان دهنده فضاهای کالبدی شهر باشند ضروری است.
- ۱۰- نوسازی و بهسازی شهری به دنبال تطبیق فناوری جدید از جمله حمل و نقل و ارتباطات و سایر خدمات زیستی با سازمان فضایی کالبدی شهر قدیمی است، از این رو تلفیق شیوه‌های جدید با روش‌های سنتی و بومی ضروری است.

احیاء شهری

احیای شهری به مفهوم تجدید حیات یا باززنده سازی بخش‌هایی از نواحی شهری است که فاقد استانداردهای عمومی رایج زندگی شهری هستند. این نواحی در بخش‌های مختلف شهر شکل می‌گیرند؛ اما معمولاً در بخش مرکزی شهرها قرار دارند و با مسائلی از قبیل کمبود مسکن مناسب، تضادهای غیر منطقی کاربری اراضی، مشکلات ترافیک، محدودیت فضایی، مشکلات اجتماعی دست به گریبانند. اصطلاح «احیاء شهری» توسط «وینر» و «هات» در سال ۱۹۶۶ به عنوان یک برنامه طراحی شده برای دستیابی به اهداف زیر مطرح شد:

- رساندن ساختمان‌های موجود به استانداردهای قابل قبول؛
- نگهداری و حفاظت از ساختمان‌های دارای ارزش تاریخی- فرهنگی؛
- تخریب و پاکسازی ساختمان‌های فرسوده؛

- بنابراین احیاء شهری با تغییر بناهای فرسوده و کهنه و جایگزینی آنها توسط سازه‌ها و کاربری‌های جدید شهری از جمله خیابان‌ها، پارک‌ها همراه است (Button, 1985, 152). احیاء شهری فرایندی است که از مراحل متوالی تشکیل شده و با ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت شهروندان در برنامه‌های توسعه شهری انجام می‌گیرد. جامعه شهری برای اصلاح، توسعه و تکامل شهر باید برنامه مناسب و مشخصی داشته باشد و آنها را بر اساس چهارچوب زیر دنبال کند:
- سیستم و مقررات قانونی که به‌طور کارآمد برنامه‌ها را تهیه و اجرا نماید؛
- تدوین برنامه‌های جامع برای توسعه اجتماعی و اقتصادی؛
- مبارزه با مشکلات محلی؛
- تشکیلات منظم احیاء شهری؛
- توانایی مالی از راه درآمدهای محلی؛
- طرح‌هایی برای مسکن خانوارهای جایجا شده؛ و
- مشارکت شهروندان در حل مسائل و مشکلات شهری (Paym, 1985, 282-287).

عدم احساس ایمنی و احساس امنیت در بافت‌های

فرسوده

تفاوت عدم احساس ایمنی و عدم ایمنی بدین صورت تعریف می‌شود: سقوط مصالح ساختمانی، کالبد فرسوده و غیره که سلامت افراد را در محیط به‌طور مستقیم تهدید می‌کنند منجر به عدم ایمنی محیط (بُعد عینی) می‌شوند، در حالی که احساس در معرض خطر قرار گرفتن از سوی این عوامل بُعد ذهنی بوده و به احساس عدم ایمنی منجر می‌شود (فریدپهرانی، ۱۳۹۰، ۴۶). حضور مردم در فضاهای شهری به عنوان عاملی برای افزایش نظارت عمومی و کاهش جرائم همواره مورد

از اقداماتی که در دهه‌های اخیر در معاصر سازی و بازآفرینی انجام می‌شود، در گذشته در قالب عناوین و روش‌های دیگر هم صورت گرفته، اما به‌عنوان یک برنامه عمل در یک بازه زمانی، این روش مجموعه اقدامات هدفمندی را با منابع مالی مشخص و دست‌اندرکاران معین معرفی می‌کند (بنیادی، ۱۳۹۱، ۷۶). از طرفی توجه به سرمایه اجتماعی در بافت‌های فرسوده بسیار قابل توجه است. زیرا سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که در نتیجه «شبکه‌های اجتماعی» در بستر «روابط نهادی شده» به وجود می‌آید که می‌تواند امکان بهبود زندگی شهری و افزایش «رضایتمندی شهروندی» را به همراه داشته باشد. به زعم بسیاری از اندیشمندان فضاهای عمومی شهر مؤلفه‌ای اساسی در بهبود و افزایش میزان سرمایه اجتماعی در ساختار شهر به شمار می‌رود (حیب و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۲).

هویت

به معنای متداول امروزی، هویت^۱ نتیجه «این همانی» است. همان‌طور که از اصطلاح تشخیص هویت^۲ بر می‌آید، منظور فرایند مقایسه بین عینیتی موجود «ابژه» با اطلاعات و داده‌هایی از آن، در یک حافظه است. قدر مسلم این انسان است که با ذهنیت خود (اطلاعات انباشته شده در حافظه) و مطابق دریافت‌های ادراکی، فرایند «این همانی» را انجام می‌دهد (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۲۰-۲۱). در این راستا طراحی شهری به‌عنوان «تعین کالبدی فرهنگ»، «خاطره جمعی»، «حس مکان» است. در همین زمینه، لینچ بر این باور است که همانند لزوم وجود یک «تصویر ذهنی- فضایی»^۳ واضح از مکان‌های کالبدی شهری، وجود یک «تصویر ذهنی- زمانی»^۴ نیز برای سلامت و بهداشت روانی فرد و موفقیت در مدیریت تغییرات محیطی لازم است. لینچ معتقد است که محیط کالبدی- عینی نقش مهمی در ایجاد و بقای تصویر ذهنی ما از «زمان» دارد (گلکار، ۱۳۷۸، ۳۶). توان نیز معتقد است که مواجهه ما با اشیا و مکان‌های به جا مانده از گذشته، این قدرت را دارد تا حس روشنی از گذشته خویش را در ما به وجود آورد، که این امر، رابطه تنگاتنگی با «هویت شخص» از یک سو و «هویت مکانی» از سوی دیگر دارد. همان‌طور که لینچ بنا به تعریف خود، شهر را «ماکت کالبدی از تاریخ همزمان شده» تعریف می‌کند، آلدو روسی نیز رابطه‌ای جدی بین «شهر» و «خاطره جمعی» ساکنانش می‌بیند و می‌نویسد:

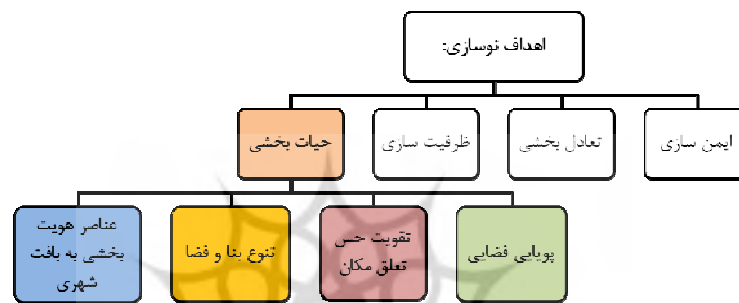
می‌توان گفت که شهر خود، خاطره جمعی مردمش است و همچون «خاطره» با اشیا و مکان‌ها رابطه دارد. شهر، مهبط^۵ و تجلیگاه خاطره جمعی است (گلکار، ۱۳۷۸، ۳۷).

سنجش پارادایم «تملیل جایگاه میات بفتشی در بافت شهری»

حیات بخشی شامل مدارجی از پویایی فضایی، تقویت حس تعلق مکان، تنوع بنا و فضا و عناصر هویت بخشی به بافت شهری می‌باشد. از آنجا که از اهداف این تحقیق شناسایی مؤلفه‌های هویت بخش به شهرایرانی می‌باشد، لذا مؤلفه حیات بخشی در این نظریه مورد آزمون قرار می‌گیرد (شکل ۱).

از آنجا که موضوع این طرح احیا و هویت بخشی به بافت فرسوده

توجه طراحان شهری بوده است. بسیاری از نظریه پردازان افزایش ارتباطات و تماس شهروندان را عامل مؤثری در کاهش جرائم معرفی می‌نمایند. اختلاط کاربری از جمله روش‌هایی است که به واسطه افزایش حضور مردم، در افزایش احساس امنیت در خیابان مؤثر است. زیرا هم تشویق کننده حضور مردم در خیابان است و هم کنترل حضور مردم را به دنبال دارد که منجر به حفظ امنیت می‌شود. این معیارها را می‌توان سرزندگی، قابلیت دسترسی، رؤیت‌پذیری، مقیاس انسانی، خاطره انگیزی، آسایش و راحتی برشمرد.



شکل ۱. نمودار اهداف نوسازی، حیات بخشی و زیر مجموعه‌های آن

جدول ۳. خلاصه نظریات نظریه پردازان غیرایرانی پیرامون مسأله هویت شهری

دوره تاریخی	نام نظریه پرداز	خلاصه نظریه
باستان	افلاطون	توسعه مسکن، توسعه روابط اقتصادی و اجتماعی شهروندان در بخش‌های مختلف شهر و بهبود چشم انداز و زیبایی شهر.
	ارسطو	دسترسی آسان به مایحتاج ضروری مثل خوراک و پوشاک؛ تأمین مسکن کافی و مناسب؛ توسعه داد و ستد و ارتباطات؛ تأمین آب سالم و توسعه بهداشت در شهر؛ دسترسی راحت و سریع به نقاط مختلف شهر؛ نظم در احداث ابنیه شهر؛ تلفیق طرح‌های قدیمی و جدید؛ مکان‌یابی مناسب فضاهای عمومی در شهر؛ جلوگیری از کاربری‌های ناسازگار؛ شیب مناسب زمین شهری؛ توجه به اقلیم شهر در مکان‌یابی بناها و ساخت آنها؛ توجه به زیبایی و چشم انداز ساخت و سازهای شهری.
قرن سوم هجری	فارابی	سعادت و خیر در مدینه فاضله او از طریق همفکری و همکاری شهروندان فراهم می‌شود. بدون همفکری و همکاری عملی انسان قادر به رفع احتیاجات روزافزون خود نیست و در واقع، اقدامات بهسازی و نوسازی در هر فضایی منوط به همکاری عملی انسان است.
پیش شهرسازی ترقی‌گرا:	دستیابی به انسانی کامل، به گونه‌ای مستقل از هر اجبار و اختلاف زمانی و مکانی، حل مسائل ناشی از رابطه انسان‌ها با جهان و بین خودشان با نوعی خردگرایی، علم و فن، اعتقاد به انقطاع تاریخی.	
	اوزن اوسمان ۱۸۹۱-۱۸۰۹	احداث خیابان‌های بزرگ فعال، پویا و زنده، ایجاد محله‌های پر تحرک، زندگی را وارد بلوارها کرد و فضاهای خالی را پر نمود و به تزیین پاریس با چشم اندازه‌های جدید اقدام ورزید. اولین هدف هوسمان بازسازی پاریس بر پایه حمل و نقل بود؛ حیات بخشی مجدد.
نظریات پیش شهرسازان بی‌الگو	کارل مارکس ۱۸۱۸-۱۸۸۳	شهر، مکان تاریخ است و تصمیمات جدید در آن شکل می‌گیرد. شرایط سرمایه داری نابودکننده شخصیت فردی و مانعی در راه پیوندهای مستحکم اجتماعی می‌باشد. بجه‌ای که در شهر صنعتی تولد می‌یابد، در میان جنایت و ... غسل تعمید داده می‌شود.

ادامه جدول ۳. خلاصه نظریات نظریه پردازان غیرایرانی پیرامون مسأله هویت شهری

دوره تاریخی	نام نظریه پرداز	خلاصه نظریه
پیش شهرسازی فرهنگ‌گرا: قرن ۱۹	جان راسکین ۱۸۱۸-۱۹۰۰ ویلیام موریس	تأکید بر احیاء مرحله مطلوب گذشته، توجه به مسائل تاریخی و رمانتیک، ایجاد شهر بر اثر تلاش‌های فرهنگی گروهی، برای اصلاح شهر باید فرهنگ شهر را اصلاح کرد. اهمیت روح انسانی که در گروه‌های انسانی شکل می‌گیرد در مقابل فرد (که توسط ترقی‌گرایان مطرح است).
	اوژن وبوله لودوک ۱۸۱۴-۱۸۷۹	حذف بخش‌های اضافه شده به بنا پس از تاریخ اصلی آن، تکمیل یا احداث بنای فرسوده یا ناتمام بر پایه سبک گذشته بنا به صورت اولیه از طریق شهردی، حفظ بنای کاملاً فرسوده و تخریبی. هدف لودوک از مداخله در بافت‌های تاریخی، احیاء کالبد و در پی آن بهبود کارکرد می‌باشد.
	جان راسکین ۱۸۱۸-۱۹۰۰	راسکین با دیدی کاملاً هجران زده به گذشته و با الهام از گذشته سعی بر آن داشت تا تحولی اساسی در اندیشه فرهنگی مردم ایجاد کند.
شهرسازی ترقی‌گرا		نبودن روح و حیات شهری، نبودن تماس‌های اجتماعی شایسته در یک شهر زنده، اعتقاد بر اینکه عصر صنعت، برش قاطع تاریخی با گذشته است. در این نظریه، موقعیت، مکان، فرهنگ و سنت جایگاهی ندارد.
	لوکوربوزیه ۱۸۸۷-۱۹۶۵	در بافت‌های شهری بهبود کارکرد با تخریب کالبد می‌باشد.
	کنگره سیام ۱۹۳۳	مهم‌ترین اختلافات بر سر مسأله زیبایی بود. هدف سیام «کار برای خلق محیط کالبدی که نیازهای روحی شهروند و نیازهای مادی را فرو نشاند» اعلام شد. مطرح شدن نیازهای روحی در کنار نیازهای مادی، گامی بود به جلو، ولی از لحاظ نظری شکافی بود بین نسل قدیم و جدید سیام.
	آلدو روسی ۱۹۳۱-۱۹۹۷	می‌توان گفت که شهر خود، خاطره جمعی مردمش است و همچون «خاطره» با اشیاء و مکان‌ها رابطه دارد. شهر، تجلیگاه خاطره جمعی است.
شهرسازی فرهنگ‌گرا	کامیلوسیت ۱۹۰۳-۱۸۴۳	بازگشت به شیوه‌های هنری قرون وسطی، ارزش بنای تاریخی در هماهنگی با محیط اطراف، میدان و بقیه فضاهای شهری به عنوان «محل تعامل اجتماعی» و فضایی چند عملکردی، قواعدی کالبدی را که وی هنری می‌نامد برای حفظ و تقویت این زندگی جمعی در شهر، از دل فضاهای باز جذاب تاریخی استخراج نماید. حس مکان عصر جدید، میدان به عنوان مرکز افتخارآفرین زندگی جمعی؛ نخستین شخصی است که از کاربرد هنر برای زیبایی شهر و اقدامات بهسازی و نوسازی شهری سخن گفته است.
	لوکا بلترامی ۱۸۵۴-۱۹۳۳	تعلق بنا به محیط شهری، یعنی هیچ بنایی به خودی خود معنی ندارد و تنها از طریق محیط اطرافش تعریف می‌شود.
	لئوناردو بنه ولو -- ۱۹۳۳	تداوم تاریخی با توجه به مراحل تحول شهری، امری حیاتی است. هدف از مداخله در بافت کهن، بهبود کالبد و شرایط زیست ساکنان است.
	لودویکو کوارونی ۱۹۱۱-۱۹۸۷	مرمت شهری امری چند وجهی است که تمام وجوه اقتصادی، کالبدی و ... را در بر می‌گیرد. احیاء بافت‌های تاریخی از وجوه مختلف، هدف وی از مداخله در بافت‌های کهن، بهبود عملکرد با احترام به کالبد زنده و پویا است.
	گوستاو جیووانی	هدف وی از مداخله در بافت‌های کهن، بهبود عملکرد با احترام به کالبد زنده و پویا است. احیاء بافت شهری مد نظر او است.
	کنزو تانگه ۲۰۰۵-۱۹۱۳	شهر باید در آزادی، تنوع، تعادل انگاره‌ها، تحرک و گزینش نامحدود زندگی کند. هدف وی از مداخله در بافت‌های کهن، حفظ سنت با پاسخ به نیازهای نو است.
	تری فارل -- ۱۹۳۸	بناها و مجموعه‌های تاریخی گنجینه‌ای از اعتقادات و خاطرات نسل‌های گذشته است. اعتماد به گذشته، رهگشای زمان حال است. رد تخریب و بازسازی، مشارکت مردم در مرمت، انطباق میان بناهای قدیم و جدید.
	کامیلو بوی تو ۱۸۳۶- ۱۹۱۴	بازگرداندن روح حیات و فعالیت به بنای تاریخی است تا مرمت کالبدی آن.
پست مدرنیست	وان ایک ۱۹۶۸-۱۹۱۸	از معماری و برنامه‌ریزی شهری مدرن به دلیل بی‌هویتی و یکنواختی کالبدی آن انتقاد می‌کند.
	چارلز جنکز -- ۱۹۳۹	گذار از شعور ملی به هویت محلی؛ گذار از فرهنگ منسجم به خرده فرهنگ‌ها، گذار از سبک محدود به گونه‌های متفاوت. هدف وی از مداخله در بافت‌های کهن، زنده کردن باورها و تصورات محلی ساکنان شهر است.
	کریستوفر الکساندر -- ۱۹۳۶	الکساندر به دنبال ایجاد شهرهایی است که حس هویت را نه تنها خود داشته باشد بلکه به ساکنان نیز القاء کنند. احساس تعلق خاطر، شهرها با ایجاد کلیت در درون خود این حس هویت را به ساکنان القاء کنند.

جدول ۳. خلاصه نظریات نظریه پردازان غیرایرانی پیرامون مسأله هویت شهری

دوره تاریخی	نام نظریه پرداز	خلاصه نظریه
پست مدرنیست	کریستین نوربرگ شولتز ۱۹۲۶-۲۰۰۰	روح مکان، احساس تعلق و مشارکت، تحسین شهر با هویت قدیم.
	ریچارد راجرز -- ۱۹۳۳	انعطاف‌پذیری، سازگاری با فضای پیرامون، انسان محوری، ثبات، تداوم زمانی با تأکید بر رگه‌هایی از گذشته، ارتباط میان مردم و فضا، کاربست فناوری در فضاهای عمومی با توجه به زمینه و بافت شهری، حضور مؤثر انسان در فضا.
	رنزو پیانو -- ۱۹۳۷	تعادل میان قدیم و جدید، انسان و فناوری، فن و هنر؛ تداوم در خاطرات جمعی از گذشته تا آینده؛ ارتباط میان انسان و طبیعت، محله و شهر، مردم و محیط برای ایجاد آشنایی؛ مسئولیت داشتن در قبال جامعه و شهر.
	راب کریب، ۱۹۳۸--	محصور بودن، نظم هندسی، محل تبدلات اجتماعی-فرهنگی.
	آموس راپاپورت -- ۱۹۲۹	نمادگرایی ناشی از قراردادهای اجتماعی، معنا را در خصلت تداعی کننده شکل عنوان می‌کند.
آنتروپوپولیست‌ها (انسان محورها)	لویی مامفورد ۱۸۹۵	شهر، محل تجلیات روح بشری، ستایش وحدت بصری گذشته.
	مارسل پوئت، قرن ۱۹	شهر به مثابه موجود زنده‌ای که باید گذشته آن دیده شود و تا جایی که ممکن است مصور گردد تا نظم کهن جایگزین بی‌نظمی جاری شود.
	جین جیکوبز ۱۹۱۶-۲۰۰۶	اصل پویایی فضا و ایجاد محیط‌های عاطفی، اصل ایجاد روابط همسایگی به عنوان حفاظت کننده ارزش‌ها و سنت‌ها، اصل توجه به خیابان به عنوان شالوده محکم کالبد شهر که ساکنان را در رابطه با ساخت و سازمان شهر قرار می‌دهد، می‌باشد.
	کوبین لینچ ۱۹۱۸-۱۹۸۴	نقشه ذهنی؛ به دیده آید، به ذهن سپرده شود و سبب شادی خاطر گردد.
معاصر	مسی ۱۹۹۴	هویت یک مکان آمیزه‌ای خاص است از روابط اجتماعی و بدین خاطر، همواره بدون ثبات، مجادله‌ای و چندگانه می‌شود.
	هربرت بلومر، قرن ۲۰	هر شیء و موضوعی برای خود واجد مفهومی است و این مفاهیم باید با هوشیاری وارد یک اجتماع انسانی شوند و سپس آنجا با توجه به رفتارها و نحوه رفتار دیگران، معنی می‌گیرند.

جدول ۴. خلاصه نظریات اندیشمندان ایرانی پیرامون مسأله هویت شهری

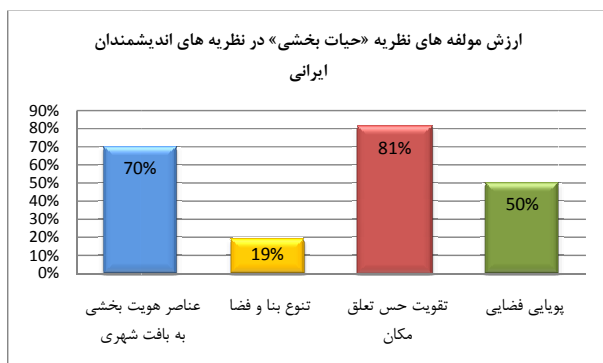
نام نظریه پرداز ایرانی	خلاصه نظریه
سید حسین بحرینی	«آنچه را که مردم می‌بینند»، یعنی توانایی درک واقعی محیط اطراف؛ «آنچه را که مردم می‌ستایند»، یعنی قدرت ستایش، فهم و استفاده از محیط شهری؛ «آنچه را که مردم می‌توانند استفاده کنند»، یعنی وجود و دسترسی واقعی به فضاهای شهری طی فعالیت‌های روزانه؛ «آنچه را که مردم به خاطر می‌آورند»، یعنی یادآوری تجارب خوب گذشته از فضاهای شهری؛ «آنچه را که مردم تداعی می‌کنند»، یعنی جنبه‌های نمادی، فرهنگی، تاریخی و معنی در فضاهای شهری (بحرینی، ۱۳۸۶، ۱۳۷). ۱۰ پیشنهاد برای طراحی شهرهای زنده: فرایند، عرصه عمومی، حس مکان، مقیاس، فرهنگ، زمان، تاریخ، فعالیت‌ها، انتخاب، متخصصین (بحرینی، ۱۳۸۶، ۴۵۱).
جهانشاه پاکزاد	تداوم این همانی موجب به وجود آمدن هویت می‌گردد؛ تعلق مکانی، به معنی رابطه هم‌پیوندی میان انسان و محیط، از تبعات احراز هویت است (پاکزاد، ۱۳۷۵، ۱۰۴).
پرویز پیران	هر مکان یا فضا (از جمله شهر) مفروض دارای متن خاص و محتوای ویژه خود و الفاکننده نوعی وابستگی و احساس تعلق و تعهد در بین ساکنان آن مکان است (پیران، ۱۳۸۵، ۱۱۴).
علامه جعفری	یکی دیگر از آرمان‌های معقول ما که اگر در جهان عینی تجسمی پیدا کند، زیبایی به وجود می‌آورد، عبارت است از پیوستگی با گذشته و آینده، در زندگی هیچ لحظه‌ای ابهام انگیزتر و تاریک‌تر از لحظه‌ای نیست که آدمی خود را به کلی گسیخته از گذشته ببیند و ناتوان از پیوستن به آینده.
فرح حبیب	اجزا و عناصر سازنده شکل شهر و نحوه ترکیبشان و عامل زمان، همگی دارای قابلیت تداعی معنا، بالا بردن قابلیت ایجاد تصور ذهنی، ایجاد حس مکان و هویت شهری هستند و هم می‌توانند چنین ویژگی‌هایی را کم‌رنگ ساخته یا از بین ببرند (حبیب، ۱۳۸۵، ۶). محل‌هایی که سازگاری کمی دارند وقتی معنی دارند که مردم تماس مستقیمی از فعالیت‌های مربوطه داشته باشند و الگوی فعالیت می‌تواند مستقل از عناصر کالبدی، خوانایی را به وجود آورد. اما وقتی در سازگاری با عناصر کالبدی باشد سبب افزایش خوانایی محیط کالبدی می‌گردد (حبیب، ۱۳۸۵، ۱۱). خصوصیات شکل شهر می‌تواند به ایجاد تصور ذهنی از شکل شهر در ذهن شهروند و ایجاد حس مکان بیانجامد. معنای شکل شهر که با ایجاد تصور ذهنی از شهر مترادف است شامل مدارجی از: ۱- ادراک؛ ۲- شناسایی (بازشناسی و تمایز)؛ ۳- برقراری پیوند بین اجزا و عناصر؛ ۴- برقراری پیوند و ارتباط بین شکل شهر و فعالیت‌های شهر؛ ۵- برقراری پیوند با رویدادها، مکان و زمان؛ ۶- ارتباط با مفاهیم غیر فضایی و ارزش‌ها، ایجاد یک تصویر ذهنی قوی از شهر است که میانی تعامل مردم را با محیط فراهم می‌آورد (حبیب، ۱۳۸۵، ۹).

ادامه جدول ۴. خلاصه نظریات اندیشمندان ایرانی پیرامون مسأله هویت شهری

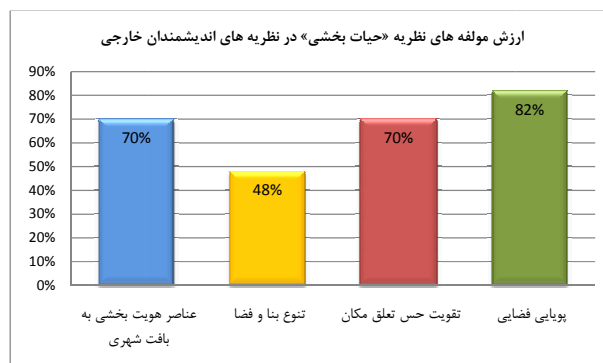
نام نظریه پرداز ایرانی	خلاصه نظریه
فرشته حبیب	عوامل مؤثر در شکل‌گیری کالبد شهر (حبیب، ۱۳۸۲): شهر پدیده‌ای است در ارتباط با نوع معیشت: اقتصاد: نوع معیشت، سرمایه، نیروی کار، مدیریت، سیاست موجود و قوانین و لوازم و محدودیت‌ها؛ شهر پدیده‌ای است در ارتباط با اجتماع: اجتماع: سوابق تاریخی، نحوه تفکر و جهان بینی، جمعیت و زبان، نژاد، مذهب، سنت‌ها و مراسم و آیین‌ها، علم و هنر، فن و تکنولوژی. شهر پدیده‌ای است در ارتباط با طبیعتش: طبیعت: خصوصیات جغرافیایی، خصوصیات اقلیمی و آب و هوا، آب، خاک، باد، گیاه، خورشید، دید و منظر، توپوگرافی.
محسن حبیبی	هنگامی که از هویت شهر سخن می‌گوییم از چیزی صحبت می‌کنیم که در ظاهر و شکل شهر نیست بلکه در شاکله شهر است. همبستگی‌های اجتماعی، یآوری‌ها و کمک‌ها، شاکله‌ای زیبا از درون آن شهر می‌سازد.
راضیه رضازاده	هر چند ریشه دار بودن به‌طور عینی به معنی سکونت درازمدت در یک مکان جغرافیایی است، اما به‌طور ذهنی حالتی است که با عدم علاقه به جهان پیرامون و عدم حساسیت به گذر زمان به وجود می‌آید (رضازاده، ۱۳۸۵).
حسین سلطان زاده	مجموعه‌ای از نشانه‌ها در معماری نمایان‌گر هویت یک فضا است، می‌توان هویت را مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و نشانه‌هایی دانست که وجه مشخصه یک فضا (در زمینه‌های فرهنگی، کارکردی و سرزمینی) بوده و آن را از سایر فضاها و فرهنگ‌ها متمایز می‌کند.
سید کمال الدین شهریاری	تاریخ، فرهنگ، مشخصه‌های اجتماعی، عادات و آداب یک شهر (شهریاری، ۱۳۸۰، ۵۵).
حسین شیخ زین الدین	هویت، عنصری است که توانایی عمل در آن نهفته است. اما میراث، ثروتی است که از گذشتگان با هویت‌های مختلف باقی مانده است. بنابراین هویت فعلی ما، مجموعه امکانات عمل فعلی ما است (شیخ زین الدین، ۱۳۷۸، ۶۷).
اسماعیل شیعه	روح شهر در وجود سرزندگی و رفاه و آرامش روانی جمعیت آن تجلی می‌کند. سرزنده بودن، نحوه نگرش، انتظارات از زندگی و فرهنگ صحیح به مثابه روح شهر تلقی می‌شود که در هر زمان به نوعی تجلی می‌یابد. چنانچه روح چنین شهری سالم باشد، کالبد آن نیز سالم خواهد بود (شیعه، ۱۳۸۱، ۵۷).
محمد منصور فلامکی	شهر، بی‌گذشته خود، حتی تصویر روز را نمی‌تواند عرضه کند چه رسد به اینکه فردایی را بخواهد ترسیم کند. معماری گزینش ارزش‌هایی است که ریشه در زمان تجربی و در جهان فرهنگی دارند (فلامکی، ۱۳۷۱، ۵۲۰).
کوروش گلکار	نقش و اهمیت خاطرات جمعی (چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی) و معانی انضمامی ^۶ مکان‌های شهری در ایجاد ساخت‌های ذهنی ^۷ آزمون و تأیید گردیده است. «حس مکان»، «هویت» و کیفیاتی که منجر به منحصر به فرد بودن هر شهری برای خودش می‌گردد، از جمله مقولاتی است که می‌بایست تحت عنوان کیفیات تجربی طراحی شهری در نظر گرفته شوند (گلکار، ۱۳۷۸، ۳۷).
حمید ماجدی	آنچه بسیاری از شهرهای امروزی را ناخوشایند کرده، عدم توجه به ماهیت حقیقی شهر و شهرنشینی است. در شهرهای موفق چنانچه مظاهر بصری شهر و یا گروهی از شهرها (با ویژگی‌های مشترک) و روابط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ساکنان آنها قابل تمایز با دیگر شهرها باشد می‌توان هویتی خاص برای این گونه شهرها قائل شد (ماجدی، ۱۳۸۴، ۶۶).
علی مدنی پور	دیدن انسجام فضا با زمان، رویکردی پویا به ما عرضه می‌دارد که پدیده‌ها را به همین صورت که پیوسته در حال تغییرند، تحلیل می‌کند و به طراحی همگام با تحول و برای تحول می‌انجامد. اما، تحول بیش از حد و شتاب بیش از حد تغییر، به انفکاک هویت‌ها و از دست رفتن کنترل بر اشیاء و رویدادها خواهد انجامید (مدنی پور، ۱۳۷۹، ۳۲۴).
محمد نقی زاده	از مهم‌ترین عوامل هویت‌دهنده انسان، باورها و اصول و ارزش‌های فرهنگی‌اش است، معماری و شهر بیانگر هویت جامعه عامل تمیز تمدن‌ها از یکدیگر هستند (نقی زاده، ۱۳۷۸، ۲۱). هر فضایی با شدت و ضعف متفاوت واجد هویت است و هویت نهایی فضا، برابند هویت‌های عملکردی، کالبدی، محیطی، فرهنگی و معنایی آن می‌باشد (نقی زاده، ۱۳۸۵، ۱۷).

جدول ۵. تطبیق مؤلفه‌های «حیات بخشی» با نظریه‌های نظریه پردازان

دوره تاریخی	نام نظریه پرداز	خلاصه نظریه	پویایی فضایی	تقویت حس تعلق مکان	تنوع بنا و فضا	عناصر هویت بخش به بافت شهری
-------------	-----------------	-------------	--------------	--------------------	----------------	-----------------------------



شکل ۳. ارزش مؤلفه‌های نظریه «حیات بخشی» در نظریه‌های اندیشمندان ایرانی



شکل ۲. ارزش مؤلفه‌های نظریه «حیات بخشی» در نظریه‌های اندیشمندان خارجی

«تقویت حس تعلق مکان» در ۷۰٪ نظریه‌های اندیشمندان خارجی و ۸۱٪ نظریه‌های اندیشمندان ایرانی مطرح شده است. مؤلفه «تنوع بنا و فضا» در ۴۸٪ نظریه‌های اندیشمندان خارجی و ۱۹٪ نظریه‌های اندیشمندان ایرانی مطرح شده است. مؤلفه «عناصر هویت بخشی به بافت شهری» در ۷۰٪ نظریه‌های اندیشمندان خارجی و ۷۰٪ نظریه‌های اندیشمندان ایرانی مطرح شده است. بنابراین دیده می‌شود که بیش از نیمی از نظریات جمعیت مورد مطالعه به مؤلفه‌های «پویایی فضایی» و «تقویت حس تعلق مکان» و «عناصر هویت بخشی به بافت شهری» اعتقاد دارند. مؤلفه «تنوع بنا و فضا» نیز در نظریات اندیشمندان خارجی بسیار بیشتر از ایرانی مدنظر بوده است. لذا با بررسی‌های صورت گرفته به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های نظریه نوسازی و حیات بخشی از زمان‌های باستان تا کنون مورد تأیید می‌باشد. پس قابل توجه است که در حیات بخشی به بافت‌های فرسوده در ایران نیز مد نظر قرار گیرد.

روش دوم (بررسی درصد وزنی مؤلفه‌های «حیات بخشی» در نظریه‌های اندیشمندان)

به هر یک از مؤلفه‌های «حیات بخشی» وزن حداکثر ۵ داده شد. یعنی بر خلاف روش اول که فقط حق انتخاب ۰ و ۱ برای هر مؤلفه بود، در این روش وزن ۰ تا ۵ برای هر مؤلفه می‌تواند در نظر گرفته شود. همچنین جدول زیر میانگین نظرات ۵ نفر از اساتید رشته معماری و شهرسازی است (نصر، ۱۳۹۲، ۱۲۶ و ۱۳۶). قابل توجه است که دوره‌های مختلف تاریخی نیز تفکیک شده است (شکل ۴ و ۵). بنابراین نتایج زیر حاصل گردید:

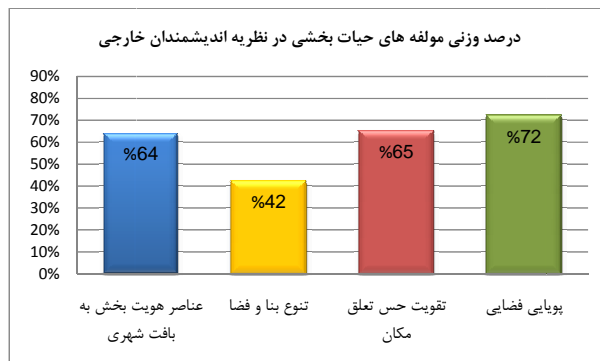
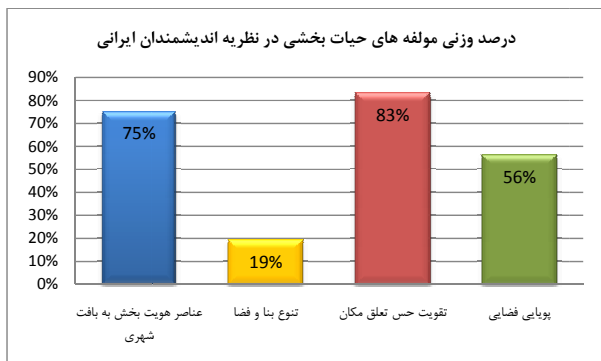
می‌باشد، لذا مؤلفه حیات بخشی این نظریه مورد آزمون قرار می‌گیرد. برای این منظور نظریات اندیشمندان ایرانی و غیرایرانی مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. اندیشمندان خارجی از دوره باستان تا کنون و اندیشمندان ایرانی از دوره معاصر انتخاب شده‌اند. نظریه‌های ۳۳ اندیشمند خارجی و ۱۶ اندیشمند ایرانی معاصر که عموماً مدرس دانشگاه و شهرساز می‌باشند بررسی گردیده است (جداول ۳ و ۴).

روش اول (بررسی ارزش مؤلفه‌های «حیات بخشی» در نظریه‌های اندیشمندان)

کلید واژه‌های مرتبط با هویت، احیا و مرمت شهری در نظریه‌های آنها مورد بررسی بوده است. سپس این نظریه‌ها با ۴ مؤلفه پویایی فضایی، تقویت حس تعلق مکان، تنوع بنا و فضا و عناصر هویت بخشی به بافت شهری مطابقت داده شد و چنانچه با هر یک از این مؤلفه‌ها هماهنگ بود در جدول علامت گذاری گردیده است (جدول ۵). پس از آن نتایج در قالب نمودارهایی ارزش گذاری گردیده است (نصر، ۱۳۹۲، ۱۲۳-۱۲۴).

بررسی و تحلیل داده‌ها

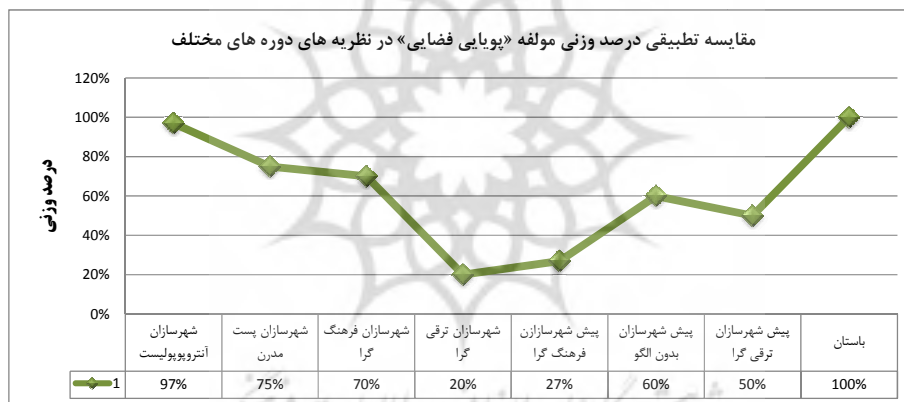
تمامی ۴ مؤلفه نظریه نوسازی، زیر مجموعه «حیات بخشی»، یعنی پویایی فضایی، تقویت حس تعلق مکان، تنوع بنا و فضا و عناصر هویت بخشی به بافت شهری در نمودارهای حاصل از بررسی نظریه‌های افراد خارجی و ایرانی دارای ارزش بوده است. یعنی هیچ مؤلفه‌ای درصد صفر را کسب ننموده است (شکل ۲ و ۳). مؤلفه «پویایی فضایی» در ۸۲٪ نظریه‌های اندیشمندان خارجی و ۵۰٪ نظریه‌های اندیشمندان ایرانی مطرح شده است. مؤلفه



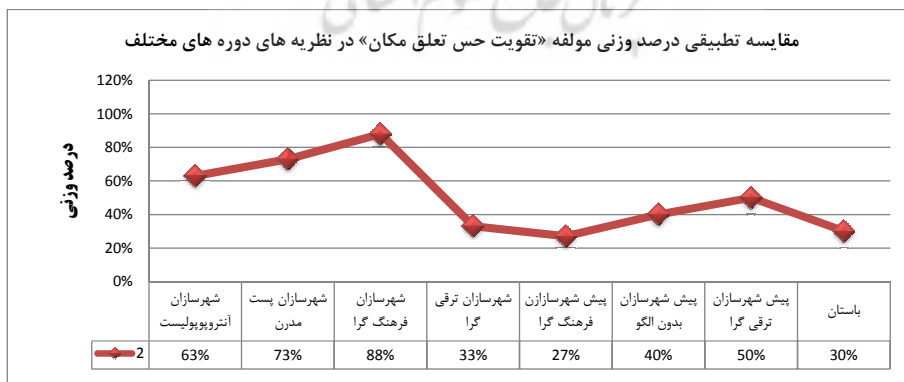
شکل ۵. درصد وزنی مؤلفه های حیات بخشی در نظریه اندیشمندان ایرانی

شکل ۴. درصد وزنی مؤلفه های حیات بخشی در نظریه اندیشمندان خارجی

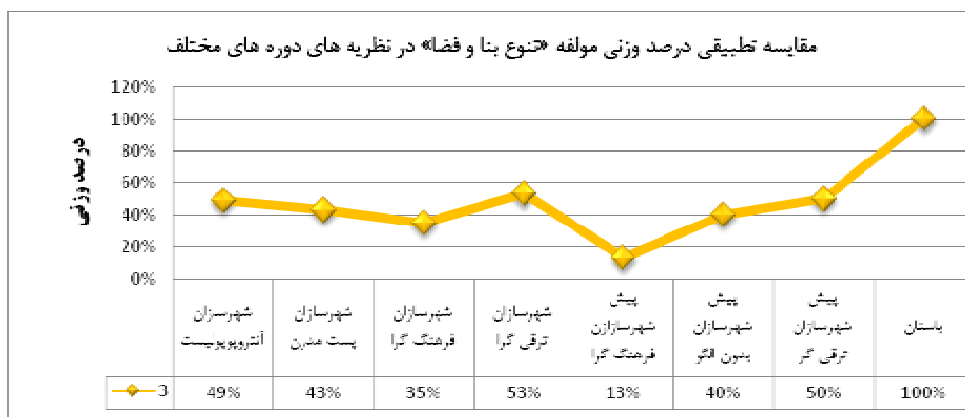
بررسی و تحلیل داده ها



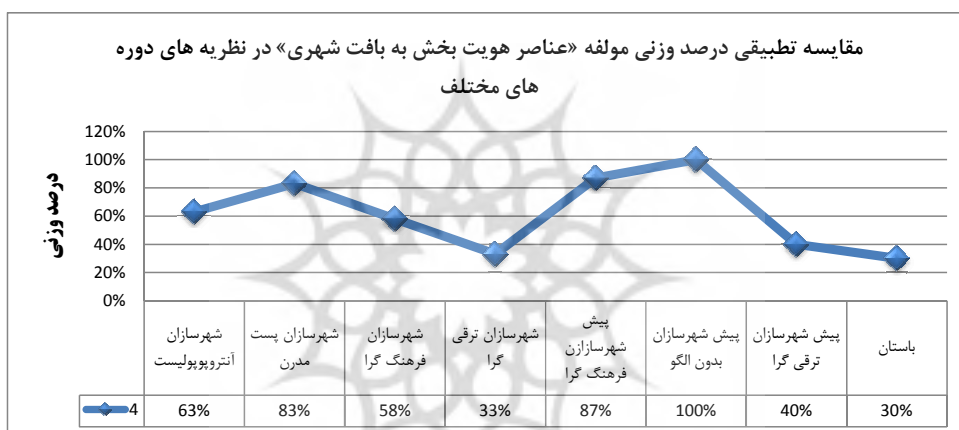
شکل ۶. مقایسه تطبیقی درصد وزنی مؤلفه «پویایی فضایی» در نظریه های دوره های مختلف



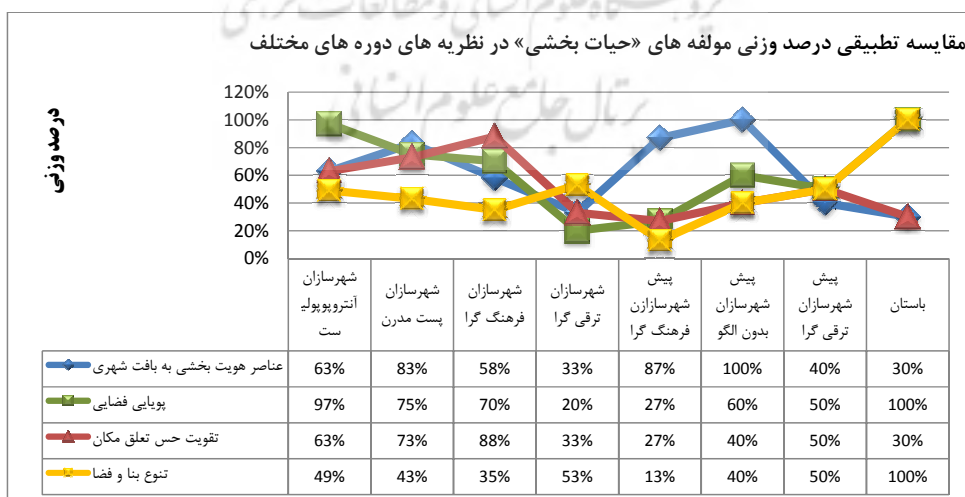
شکل ۷. مقایسه تطبیقی درصد وزنی مؤلفه «تقویت حس تعلق مکان» در نظریه های دوره های مختلف



شکل ۸. مقایسه تطبیقی درصد وزنی مؤلفه «تنوع بنا و فضا» در نظریه های دوره های مختلف



شکل ۹. مقایسه تطبیقی درصد وزنی مؤلفه «عناصر هویت بخش به بافت شهری» در نظریه های دوره های مختلف



شکل ۱۰. مقایسه تطبیقی درصد وزنی مؤلفه های «حیات بخشی» در نظریه های دوره های مختلف

نتایج حاصل

با توجه به نتایج حاصل و هماهنگی تقریبی نتایج هر دو روش ۱) ۲) (ارزش مؤلفه‌ها و درصد وزنی مؤلفه‌ها) در نظر اندیشمندان ایرانی و غیرایرانی، می‌توان به درستی روش و نیز مؤلفه‌ها اشاره کرد. همچنین، می‌توان در شکل‌های شماره ۶ تا ۱۰ نمودارهای مقایسه‌ای را که برای مقایسه درصد وزنی مؤلفه‌های حیات بخشی در نظریه‌های دوره‌های مختلف ترسیم شده است مشاهده نمود. از بررسی دو روش اول و دوم برای ارزیابی مؤلفه‌های «حیات بخشی» در نظرات اندیشمندان، با توجه به نتایج هر دو روش و میزان توجه به مؤلفه‌ها در هر دو روش، نتایج تقریباً یکسانی حاصل شده است. لذا می‌توان این مؤلفه‌ها را مؤلفه‌هایی برای «حیات بخشی» در نظر گرفت.

بررسی یافته‌های تمقیق در بافت‌های شهری فرسوده

بررسی صورت گرفته با توجه به اهمیت مؤلفه‌های «حیات بخشی» در بافت‌های فرسوده شهری بوده است. لذا باید توجه به مؤلفه‌های نام برده برای هویت بخشی به بافت‌ها مدنظر قرار گیرد. هویت و شخصیت شهر زمانی معنا می‌یابد که شاخص‌های خاص شهر نمود یابند. شاخص‌هایی که ریشه در مکان و زمان دارند و با سنت، عقاید و کالبد و به‌طور کلی با دانش و فرهنگ آن جامعه پیوسته‌اند. هویت کالبدی از نظر مفهومی با اصطلاحات «شخصیت» و «حس مکان» مترادف است. معیارهای ارزیابی هویت کالبدی به قرار زیر هستند: (شعاعی و پوراحمد، ۱۳۸۹، ۹۳)

- تمایز/ تشابه، به معنای تمایز از غیر و تشابه با خودی.
- تداوم/ تحول، به معنای پیوندی با گذشته و عدم انقطاع در عین نوآوری و خلاقیت با توجه به شرایط زمانه (خود ماندن ولی همان نماندن).
- وحدت/ کثرت، به معنای پیوند میان اجزاء متفاوت، ناهمگون و حتی متضاد، به گونه‌ای که در کنار هم یک کل را به وجود آورند.

در نتیجه شرایط مکانی اعم از محیط طبیعی و ساختار فرهنگی- اجتماعی به هر شهری چهره و هویتی متفاوت از دیگر شهرها می‌دهد و در نهایت آن شهر مکانی از تبلور فرهنگ و تمدن آن منطقه می‌شود. بر این اساس بهسازی و نوسازی هر شهر، باید بر اساس ویژگی‌ها و شرایط جغرافیای طبیعی و فرهنگی آن صورت گیرد. محله‌های تاریخی شهرها معمولاً حکم مناطق کارکردی خودگردان را دارند و به این ترتیب نمی‌توان آنها را صرفاً از بعد ظاهری مرزبندی کرد. آنها بخشی یکپارچه از درهم بافتگی کارکردی و صوری محدوده مرکزی به شمار می‌آیند و اغلب رابطه‌ای مبتنی بر همزیستی با کل شهر و به ویژه با محدوده مرکزی آن دارند. بنابراین به جای اینکه به تنهایی

درباره آنها اندیشیده شود باید در متن و بافت کلی شهر و نیز نواحی مربوط به آن مد نظر قرار گیرند. احیاء که همان بازگرداندن سرزندگی و فعالیت به مناطق می‌باشد، فرایندی پویا و توانمند است. با توجه به موارد یاد شده می‌توان گفت این فرایند در مناطق مختلف درجات متفاوت داشته است. احیاء موفقیت آمیز باید در ابعاد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی نیز خود را نشان دهد.

تملیل کیفی نتایج حاصل از پژوهش

اهمیت «هویت» و «حیات بخشی» در اندیشه

هویت هر دوره را ویژگی‌ها و امتیازات آن دوره نسبت به دوره پیش مشخص می‌سازد. برای این منظور باید دید تغییر و تحولات هر دوره چگونه و تا چه حد بوده است. چنانچه در نظریات مختلف اندیشمندان ایرانی و غیرایرانی دیده شد، «هویت» همواره مورد توجه بوده است.

اما نکته‌ای که در این میان چالش‌ایجاد می‌کند عدم توجه به این مقوله در شهرسازی معاصر است

بیان مؤلفه‌های «حیات بخشی»

در نظریه «حیات بخشی» مؤلفه‌های پویایی فضایی، تقویت حس تعلق مکان، تنوع بنا و فضا، عناصر هویت بخش به بافت شهری بیان گردید. چنانچه این مؤلفه‌ها در نظریات اندیشمندان به آزمون گذاشته شد، مشخص گردید که تمام موارد دارای اهمیت می‌باشند. لذا در «هویت» شهرها بسیار حائز اهمیت هستند.

نتیجه‌گیری

«حس مکان»، «هویت» و کیفیاتی که منجر به منحصر به فرد بودن هر شهری برای خودش می‌گردد، از جمله مقولاتی است که باید در نوسازی و به تبع آن در احیاء بافت‌های فرسوده شهری مدنظر قرار گیرند.

راپاپورت، طراحی شهری را به مثابه سازمان دادن فضا، زمان، معنی و ارتباطات می‌داند. اما کلیت شهر در طراحی شهری در قرن بیستم فراموش شده است. شهرهای جدید ما یک مجموعه و جمع‌آوری از اشکال معماری‌های گوناگون است. پنج هزار سال تاریخ شهری نشان می‌دهد که بافت پیچیده کوچه‌ها و میادین، ضرورت ارتباط ناحیه‌ها بوده و در نهایت تشکیل دهنده مراکز هویت شهری است.

کریر، ارزیابی و ارزش گذاری میراث فرهنگی و تاریخی را تنظیم‌کننده تجربیات گذشته می‌داند. لذا ارزش گذاری میراث تاریخی

عنوان بحران جهانی شناخته شده است که یک بعد این مسأله مربوط به فقدان هویت مکان‌ها و یکسان و یکنواخت شدن اکثر مکان‌هاست. در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری نیز باید به مقوله هویت در احیاء بافت توجه گردد. در گذشته انسان‌ها در هر کجا که زندگی می‌کردند احساس ریشه دار بودن در مکان و وابسته بودن به مکان در آنها وجود داشت. بنابراین این راهکارها قابل توجه است:

- بهبود شرایط زیست محیطی از طریق تأکید مناسب بر رابطه میان انسان و محیط؛

- تقویت جایگاه عناصر مذهبی و تاریخی و احیاء محیط‌های شهری وابسته به این عناصر؛

- فعال سازی محیط‌های اجتماعی و فرهنگی از طریق طراحی و احداث عرصه‌های مناسب حضور مردم و افزایش توان مشارکتی شهروندان در فضاهای شهری؛

- بهبود کالبدی شهر از طریق توجه به مؤلفه‌های کالبدی هویت شهری - ایجاد ارزش‌های ادراکی و زیبایی شناختی با هدف تأمین خوانایی و ارتقاء تصویر ذهنی شهر.

پی نوشت‌ها

- 1.Identity
- 2.Identification
- 3.Image of Place
- 4.Image of Time
- 5.Locus
- 6.Associational Meanings
- 7.Mental Constructs

فهرست مراجع

۱. بحرینی، سیدحسین. (۱۳۸۶). *فرایند طراحی شهری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. بنیادی، ناصر. (۱۳۹۱). *سیر تحول در اندیشه مرمت شهری*. هویت شهر، ۷۸-۱۰۶۷.
۳. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۷۵). *هویت و این همانی با فضا*. صفه، ۲۱ و ۲۲، ۱۰۷-۱۰۰.
۴. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). *مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری*. تهران: انتشارات شهیدی.
۵. پیران، پرویز. (۱۳۸۵). *شهرهای جدید، بی تاریخ و بدون هویت*. در مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
۶. توسلی، محمود. (۱۳۷۹). *اصطلاح‌شناسی نوسازی و بهسازی شهری*.

حس پردازش طراحی برای آینده را در بر خواهد داشت. توجه به روابط اجتماعی، به معنای پرداختن به پویایی و تحول در فضای شهری است، به حساب آوردن عامل «زمان» می‌تواند درک از فضا و بدین ترتیب کارهای طراحی شهری را به نحو قابل توجهی بهبود بخشد. برای کامل‌تر فهمیدن فضا باید از سیر تکاملی و تحول‌اش در طی زمان، تابعیت نمود. تولید فضا، هم در نقطه نظری تاریخی و هم کوتاه مدت، کلید درک فضا می‌شود. مدنی پور نیز دیدن انسجام فضا با زمان را منجر به عرضه رویکردی پویا می‌داند که پدیده‌ها را به همین صورت که پیوسته در حال تغییرند، تحلیل می‌کند. لذا به طراحی همگام با تحول و برای تحول می‌انجامد. اما، تحول بیش از حد و شتاب بیش از حد تغییر، به انفکاک هویت‌ها و از دست رفتن کنترل بر اشیاء و رویدادها خواهد انجامید. در صورت تداوم عدم ارتباط مابین فرد و فضا، «بحران هویت» حادث خواهد شد. نخستین پیامد بحران هویت این است که فرد خود را بی ریشه می‌یابد. هر جا که فرد نتواند خود را به هویتی خاص منسوب نماید، احساس کمبود یا فقدان می‌کند و خود را بی هویت می‌خواند. انسان با دخل و تصرف در محیط اطرافش دست به تلاش برای احراز هویت می‌زند. اما نباید تعلق خاطر به یک فضا را با هویتمند بودن آن اشتباه گرفت. تعلق مکانی، به معنی رابطه هم پیوندی میان انسان و محیط، از تبعات احراز هویت است و در گذر زمان همواره تلاش‌هایی برای احراز این تعلق صورت می‌گیرد. لذا باید توجه داشت نوگرایی به معنای نفی مطلق تاریخی و هویت تاریخی و فرهنگ و آداب و سنن و آداب جامعه نخواهد بود، بلکه نوگرایی عبارت است از یافتن پاسخ مناسب زمان و مکان به ارزش‌های فرهنگی و بهره‌گیری از آراء و تجارب پیشینیان و تکامل بخشیدن آنها خواهد بود.

احراز هویت مکان نتایجی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- این همانی با فضا: وقتی ذهنیت فرد از فضا به عینیت تبدیل می‌شود.
- تعلق مکانی: رابطه هم پیوندی میان انسان و محیط که گاهی از سطح تجربه‌های احساسی، شناختی و فردی می‌گذرد و با احساس مشترک جمعی در محدوده‌های فضایی وسیع‌تر گره می‌خورد.
- تعلق خاطر: وقتی تعلق مکانی انسان تحت تأثیر عواملی از جمله خاطره در مکان و زمان و تداعی آن قرار گیرد، تبدیل به تعلق خاطر می‌گردد. و بحران هویت مکان نیز در صورتی حادث می‌شود که هویت مکان با هویت آرمانی اهلس ناسازگار باشد، به طوری که شاخصه‌های کالبدی، عملکردی و معنایی آن برای اهلس و حتی برای دیگران که از بیرون نظاره‌گر هستند حامل پیام و معنایی متناسب با آنچه که از آن مکان و ساکنان آن انتظار می‌رود نباشد. امروزه بحران هویت به

- فصلنامه عمران و بهسازی شهری هفت شهر، ۲، ۸۷-۸۵.
۷. حبیب، فرشته. (۱۳۸۲). تبیین و شناسایی جایگاه فرهنگ جوامع در روند شکل‌گیری کالبد شهر. رساله دکتری شهرسازی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۸. حبیب، فرح. (۱۳۸۵). کندوکاوی در معنای شکل شهر. هنرهای زیبا، ۲۵-۵-۱۴.
۹. حبیب، فرح؛ نادری، سید مجید؛ جهانشاهلو، لعل؛ و فروزانگر، حمیده. (۱۳۹۱). سنجش چارچوب ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختار شهر با تأکید بر نقش فضاها عمومی. هویت شهر، ۱۱، ۵-۱۴.
۱۰. رضازاده، راضیه. (۱۳۸۵). رویکردی روانشناسانه و جامعه‌شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید. در مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، تهران: شرکت عمران و توسعه شهرهای جدید.
۱۱. شمعی، علی؛ و پوراحمد، احمد. (۱۳۸۹). بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. شهریار، سید کمال الدین. (۱۳۸۰). مدرنیته در شهرسازی اسلامی. معماری و شهرسازی، ۶۲ و ۶۳، ۵۵-۶۱.
۱۳. شیخ زین الدین، حسین. (۱۳۷۸). میزگرد (فرهنگ) و (معماری و شهرسازی). آبادی، ۳۴ و ۳۵، ۶۴-۷۰.
۱۴. شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۱). آینده شهرسازی ایران / روح زمانه. معماری و شهرسازی، ۶۴ و ۶۵، ۵۷.
۱۵. فریدطهرانی، سایه. (۱۳۹۰). ترس در فضای شهری. تهران: آرمانشهر.
۱۶. فلامکی، محمد منصور. (۱۳۷۱). شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب. تهران: نشر فضا.
۱۷. کریز، راب. (۱۳۸۵). به سوی شهرسازی متعالی. مجله معماری و شهرسازی، ۸۵، ۳۴-۴۱.
۱۸. گلکار، کورش. (۱۳۷۸). کندوکاوی در تعریف طراحی شهری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۹. ماجدی، حمید. (۱۳۸۴). بررسی شهرهای جدید از دیدگاه زیبایی‌شناسی و هویت شهری، در مجموعه خلاصه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی و شرکت عمران شهرهای جدید.
۲۰. مدنی پور، علی. (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرایندی اجتماعی-مکانی). (فرهاد مرتضایی، مترجم). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۲۱. نصر، طاهره. (۱۳۹۲). تبیین مؤلفه‌های هویت کالبدی شهر ایرانی. رساله دکتری تخصصی شهرسازی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۲۲. نقی زاده، محمد. (۱۳۷۸). هویت: تجلی فرهنگ در محیط. آبادی، ۳۴ و ۳۵، ۱۷-۲۸.
۲۳. نقی زاده، محمد. (۱۳۸۵). تأملی بر روند دگرگونی میدان در شهرهای ایرانی. هنرهای زیبا، ۲۵، ۱۵-۲۴.
24. Button. B. (1985). *Urban Economics*. London: Macmillan Publisher.
25. Paym, N. (1985). *Urban Geography*. U.S.A: John Wiley and Sons.